هو العلیم

شرح و ترجمه احوال حضرت آیة اللَه مرحوم حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی

حضرت علامه آیة اللَه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

مطلع انوار، جلد ۲

این زندگی نامه به قلم حضرت علامه طهرانی تحریر گردیده است و ما عین کلمات را از دست نوشته های ایشان نقل می کنیم.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

سطور ذیل شرح و ترجمه احوال حضرت آیة اللّه مرحوم حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی ره است که به قلم این حقیر سید محمد حسین حسینی طهرانی به رشته تحریر در آمده در وقتی که از همدان از این جانب طلب نموده بودند این حقیر صورت آن مرقومه را در اینجا برای حفظ یادداشت نمودم:

فرید عصر و حسنه دهر ترجمان قرآن و سلمان زمان آیة اللّه العظمی عالم عابد زاهد ناسک عالم باللّه و بامر اللّه مرحوم فردوس وساده حاج شیخ محمّد جواد انصاری همدانی رضوان اللّه علیه فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج مولی فتحعلی همدانی که نیز از بزرگان علمای عصر خود بوده‌اند در سنه ۱۳۲۰ هجریّه قمریّه چشم به جهان بگشود و در همان دوران طفولیّت تحت سرپرستی والد ماجد مقدّمات علوم ادبیّات فارسی و عربی و منطق را فراگرفت و در دوران شباب فقه و اصول فقه را نزد علمائی کم‌نظیر مانند مرحوم حجة الاسلام خلخالی و حجة الاسلام حاج سید علی عرب که از برجستگان علماء و اعاظم فقهاء بوده‌اند در شهر خود فرا گرفت و رشته‌های طبّ خمسه یونانی و ابوبکر زکریّای رازی و دیگران را نزد دانشمند عالیقدر طبیب حاذق و حکیم متبحّر مرحوم حاج میرزا حسین کوثر همدانی آموخت و در این زمینه نیز به مرتبه عالی رسید.

مرحوم حاج شیخ محمد جواد پس از اتمام تحصیلات فوق به جهت تکمیل فقه و اصول و نیل به درجه اجتهاد در حدود سی سالگی، رهسپار دیار مقدّس قم گردید و در حوزه مقدّسه علمیّه مدتها در محضر درس مرحوم استاد بی‌بدیل مرجع وقت حضرت آیة اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری اعلی اللّه مقامه الشریف حاضر می‌شد و بهره‌ها می‌برد تا در این رشته تخصّصی نیز به مقام عالی نائل آمده و به اجازات اجتهاد متعدّدی از مراجع ذی قیمت وقت فائز و در مسائل فقهیّه صاحب فتوی گردید به طوری که بعضی از دوستان و آشنایان از ساکنین همدان و غیره از آن مرحوم تقلید نموده‌اند. در همین ایّام بود که نسیم نفحات قدسیّه الهی بر دلش وزید و بارقه جذبات عالم علوی بر قلبش رسید و بمصداق کلام مولی الموحدّین امیرالمؤمنین علیه السلام **حَتّي دَقَّ جَليله و لَطُف غَليْظُه وَ بَرقَ لَهُ لامِعٌ كَثِيرُ البَرق** یکباره شراشر وجودش دگرگون شد و جذبه عالم قدس تار و پود وجود او را بر باد داده با نور الهی بدنبال گمشده خود برای رسیدن بحرم امن و امان اضطراب و تشویشی بس هائل در او پدید آمد خواب و خوراک او را ربود روزها در بیابانها و کوههای اطراف قم می‌رفت و تا شبانگاه بتماشای مظاهر جمال و حیات می‌پرداخت و با تنهائی و خلوت اُنسی عجیب گرفت و چون سالیانی چند از رحلت عالم نحریر و عارف بی‌بدیل استاد کامل اخلاق و معارف الهی انسان العین و عین الانسان مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی اعلی اللّه مقامه الشریف میگذشت هر چه نزد شاگردان معروف او

تردّد نموده و برای فتح و گشایش رفت و آمد کرد اثری نیافت تا رفته رفته آتش عشق در نهاد او رو بفزونی گذارد و هموم و غموم فراق جان او را مشتعل ساخت ناله جانسوز او هر بیننده‌ای را متأثر میکرد و گریه جانگداز او هر نظر کننده‌ای را میگداخت که ناگهان پرده غیب بالا رفت و حجابهای ظلمانی و نورانی بر کنار شد نسیم جانبخش رحمت از حرم الهی بوزید و آب حیات جاودانی ببقای حقّ بر دل سوخته او بعد از فنای او از مراحل نفس سرازیر شد و از جزئیّت بکلیّت پیوست در این هنگام بموطن اصلی خود همدان مراجعت نموده برای دستگیری عاشقان و دلباختگان حرم انس الهی سکنی گزید با نهایت آرامش و سکون برای رسانیدن حقّ و تبلیغ شریعت غرّاء و ابلاغ احکام و مسائل شرعیّه و معارف الهیّه و تربیت نفوس ناقصه اهتمامی عجیب نمود در هر مسجدی خالی و مخروبه بود اقامه جماعت مینمود بسیاری از اوقات در مسجد پیغمبر و اخیراً در زاویه‌ای از مسجد جامع شهر اقامه جماعت داشت مأمومین او غالباً مردمان پاکدل و پاکیزه ضمیر و عاری از هوی و هوس بودند در جلسات شبانه و روزانه سیّار در منزل شیفتگان حقائق تردّد مینمود و شاگردانی بس ارجمند و عالیقدر تربیت نمود که هر یک از آنان در همدان موجب عبرت همگان و حجّت الهی بر مردمان در اخلاق و کردار بودند در روزهای جمعه با معیّت شاگردان بصحرا میرفت و با یک دنیا از خلوص و صفا و حقیقت بتماشای آیات الهی در مظاهر امکان و افق وسیع حیات می‌پرداخت مرحوم انصاری رضوان اللَه علیه برای برآوردن نیازمندیهای مسلمانان اهتمامی وافر داشت و در امر بمعروف و نهی از منکر ساعی بود و در کمک و مساعدت بفقرا و مسکینان و ارباب حوائج بی‌اختیار بود و در بذل و انفاق بی‌نظیر بود به بسیاری از خانواده‌های مستمند که در گوشه و کنار شهر بودند و ابداً کسی از حال آنان اطّلاع نداشت مساعدتها می نمود و با دست خود برای آنان غذا و لباس و فراش میبرد و در اخفای این امور بحدّی دقیق بود که حتّی از شاگردان خاصّ خود مخفی میداشت.

مرحوم انصاری رحمة اللَه علیه نه تنها یک مرجع دینی و عالم روحانی بود بلکه مانند یکفرد از افراد خانواده در برآوردن نیازمندیهای آنان می‌کوشید در زمستانهای سرد همدان برای معالجه مرضی و عیادت بیماران آنان بمنزلشان می‌رفت و چه بسا خود تهیّه دوا می‌نمود و تا فرد گرفتاری را از گرفتاری آزاد نمی‌نمود آرام نمی‌گرفت آرامش دل او در آرامش خلق خدا بود و نگرانی او در اضطراب آنان.

بنابراین اگر گفته شود که مرحوم انصاری قدّس سرّه یکی از اولیای برجسته قرن اخیر بود که قولاً و عملاً و اعتقاداً و سرّاً در ممشای ائمه طاهرین صلوات اللَه علیهم اجمعین قدم می‌زد و نمونه‌ای بود که سیره و اخلاق و معارف آن بزرگواران را به عصر خود معرّفی مینمود سخن بگزاف نرفته است.

مرحوم انصاری رحمه اللَه مدت بیست و پنج سال در همدان بهمین منوال زندگی نمود تا بالاخره بواسطه عارضه قلبی در روز جمعه دوّم شهر ذوالقعده ـ الحرام ۱۳۷۹ هجریه قمریه دعوت الهی را لبیّک گفت و مرغ

روحش بآستان قدس پرواز نمود در تشییع جنازه او تعطیل عمومی شد و اکابر علمای متقّی و پرهیزگار همدان شرکت کردند و سه روز در مسجد جامع مجلس ترحیم برپا بود جنازه او را به قم حمل و در یکی از مقبره‌های شمالی در جوار قبر حضرت علی بن جعفر سلام اللَه علیهما بخاک سپردند.[1]

[1] مطلع انوار، ج ۲، ص ۲۹۳